

یادداشت



دکتر مجید شاکری  
کارشناس اقتصاد سیاسی



# نگاهی به نقش شهید سلیمانی در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی منطقه غرب آسیا



۲۰۰ کیلومتر  
۲۰۰ مایل

اشاره | از مسائل مهمی که لازم است تا به آن توجه شود، استمرار فعالیت‌های امنیتی و نظامی شهید سلیمانی در عرصه اقتصادی است. در واقع، شهید سلیمانی با اقدامات و مجاهدت‌های خود، زمینه بسیار مناسبی را برای افزایش انتفاع جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت از اقتصاد منطقه را ایجاد کرد که متأسفانه، آن چنان‌که باید و شاید مدنظر قرار نگرفت. همچنین، ایجاد چرخه و همکاری اقتصادی واقعی میان کشورهای منطقه، به خصوص جبهه مقاومت، از جمله مسائلی بوده که لازم است بیش از پیش، مدنظر مسئولان و سیاست‌گذاران جبهه مقاومت و به خصوص ج.ا.ایران قرار گیرد.

## آمریکا و تلاش برای تخریب زیرساخت‌های منطقه

مسبب آن بوده است. همچنین، نمونه‌های دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها با جدیت، مانع شکل‌گیری هرگونه پروژه‌ای برای توسعه برق در عراق هستند و هر برنامه ارزی خارج از چهارچوب را که برای عراق، تعریف شده است (لازم به ذکر است که کلیه معاملات ارزی عراق، ابتدا باید وارد اداره‌ای در آمریکا و سپس، وارد بانک‌های عراقی شود)، می‌گیرند. آمریکا این کار را از طریق ایجاد ناامنی و جلوگیری از پروژه‌های دوجانبه‌ای که آمریکا در آن حضور ندارد، انجام می‌دهد. از این منظر، تمام رفتارهای حاج قاسم اعم از تلاش‌هایی که برای ضربه نخوردن مفهوم دولت و حاکمیت ملی در عراق انجام دادند یا آنچه در طول زمان برای سوریه، برای ایجاد یکپارچگی انجام شد، همه در نهایت یک خروجی دارد و آن، حفظ زیرساخت‌های امنیتی و اقتصادی این کشورها است.

## لزوم طراحی یک مدل و چرخه برای افزایش همبستگی اقتصادی در جبهه مقاومت

به طور کلی، باید گفت که رویکرد اقتصاد مقاومتی در توسعه زیرساخت‌های کشورهای منطقه غرب آسیا، اثری نداشته است، زیرا اساساً کار اصلی این حوزه، پاسخ دادن به چگونگی عرضه کالاهای اساسی بوده

ما در یک وضعیتی قرار گرفته‌ایم که بخش مهمی از برنامه آمریکایی‌ها در چارچوب پرونده بزرگ‌تر آن با چین و ویران‌سازی مسیر افغانستان تا مدیترانه است، به این معنا که هم از لحاظ قدرت حکمرانی و هم زیرساخت‌های اقتصادی تا حد ممکن، اجازه ندهد دولتی تشکیل شود. اگرچه رفتار امنیتی حاج قاسم این نبوده که بگوییم از روز اول با هدف مقابله با این طرح، شروع شده اما رفتار منطقه‌ای ایشان، مستقیماً مهم‌ترین عاملی بوده که باعث شده است، این طرح با عقب ماندگی دچار شود؛ البته نه این‌که بگوییم این طرح آمریکا، ریشه‌کن شده بلکه آن را با یک عقب‌افتادگی، مواجهه کرده است. بخش اول این طرح آمریکایی‌ها یعنی تخریب زیرساخت‌ها، شامل مجموعه عواملی است که در حوزه ناامنی انجام می‌شود. به طور مثال از مواردی که کمتر به آن پرداخته شده و اصلاً سؤال نمی‌شود که چرا انجام شده، تخریب خط آهن در شمال افغانستان است که موجب باز شدن دروازه‌های کریدوری به سمت ایران می‌شد و تخریب آن در حدفاصل خروج آمریکا از افغانستان انجام شد و نمی‌توان گفت که طالبان،

امر، پس از روشن شدن پرونده‌های باز ایران در پکن و واشنگتن، میسر خواهد بود. حالت دیگر، آن است که یک مدل توسعه - که شامل کشورهای منطقه غرب آسیا است - طراحی شود و به این شکل، هزینه‌های جاری به عنوان یک سرمایه بلندمدت در کشورهای غرب آسیا تلقی شود که لازمه این امر، وجود یک طرح توسعه طلبانه در داخل ایران است که البته متأسفانه این طرح وجود ندارد، زیرا در حال حاضر، رویه اقتصادی ایران مبتنی بر بقاء است نه توسعه.

### عدم حضور فعال در عرصه اقتصادی منطقه

در رابطه با عدم حضور فعالانه ایران در عرصه‌های اقتصادی منطقه، باید به سه نکته توجه کرد؛ **اولین** نکته آن است تا زمانی که ما برنامه توسعه‌ای برای خود نداشته باشیم، نمی‌توانیم برای سایر کشورهای منطقه، برنامه توسعه داشته باشیم؛ **دومین** نکته، این است تا زمانی که در کشور ما یک تورم غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد، این امر باعث می‌شود که دائماً این سؤال را داشته باشید که آیا قیمت تمام شده در داخل کشور، اجازه صادرات آن را به ما خواهد داد یا خیر؟ و نکته **سوم**، عدم وجود زیرساخت‌های اقتصادی لازم، همچون مبادلات بانکی در کشورهای منطقه غرب آسیا است که باعث شده ایران، نتواند جایگاه مناسبی در معاملات اقتصادی کشورهای غرب آسیا همچون سوریه و عراق داشته باشد.

است. رفتار اقتصادی در عراق و ایران، به شدت مبتنی بر کالای خاص است که در ایران، مبتنی بر خوراک دام و در عراق، مبتنی بر شکر و روغن است و اتخاذ رویکرد مقاومتی باعث نشده که این گلوگاه‌های مهم از دست آمریکایی‌ها خارج شود. یک تلاش جدی در دوره آقای عادل‌المهدی - که بسیار شبیه به اقتصاد مقاومتی بود - صورت گرفت که متأسفانه با سقوط دولت ایشان، توأمان شد و پیشرفتی در آن صورت نگرفت. در واقع، باید گفت که ما هنوز از حوزه امنیتی فراتر نرفته و نتوانسته‌ایم یک چرخه تکرار شونده را - که بدون حمایت سیاسی به شکوفایی اقتصادی بین دو کشور ایجاد شود - به وجود آوریم. نکته‌ای دیگر که ذکر آن در اینجا بسیار مهم بوده، آن است که در حال حاضر، ما نمی‌توانیم معاملات تجاری گسترده با کشورهای منطقه، به خصوص با دو کشور افغانستان و عراق داشته باشیم؛ زیرا هرگونه افزایش صادرات با کشورهای منطقه صورت گیرد، سیستم تسویه آن از دو حالت خارج نیست؛ یک حالت، آن است که ما ادامه رویه سیستم تسویه فعلی را داشته باشیم که با واحد پولی دینار صورت می‌گیرد و در این حالت، رقبای منطقه‌ای همچون امارات و رژیم صهیونیستی، ابزار آن را دارند که کاملاً بر روی رابطه ایران با کشورهای منطقه همچون سوریه، عراق و لبنان، تأثیر بگذارند و از این رو، باقی ماندن این سیستم تسویه در داخل منطقه غرب آسیا، مانع از همبستگی اقتصادی در جبهه مقاومت بوده و لازم است که یک سیستم تسویه‌ای خارج از منطقه اتخاذ شود و این



# خون تو حرف می‌طلبد

YOUR BLOOD CHALLENGES ANY ADVERSARY

#انتقام\_سخت #سنتقم #HardRevenge

یادداشت



دکتر حسن  
محمد میرزائی  
مدیر مرکز مطالعات آمریکا



انتقام سخت؛ سیاستی فراتر از  
آنچه بسیاری فکر می‌کنند!